



تعیین و اولویت‌بندی مؤلفه‌های افشای داوطلبانه جهت کاهش عدم تقارن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و مدل معادلات ساختاری

امیر شمس^۱
علیرضا مهرآذین^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

چکیده

نبود ادبیات تحقیق کافی در خصوص افشا داوطلبانه انگیزه‌هایی را برای این مطالعه ایجاد کرده است. نخست اینکه تا به امروز هیچ مطالعه جامعی درباره سنجش افشا که بتواند راهنمای محققان آینده در زمان ایجاد مقیاس‌های افشای خودشان و یا پذیرش موارد موجود باشد انجام نشده است. دوم اینکه مسائل مربوط به سنجش در علوم اجتماعی و ارزیابی مقیاس‌های افشا به‌ندرت در ادبیات تحقیق حسابداری بیان شده است. تحقیق حاضر، مؤلفه‌ها و شاخص‌های افشا داوطلبانه را با بررسی نظر خبرگان در یک چارچوب جامع ارائه و مورد تحلیل قرار می‌دهد. همچنین پس از تعیین مؤلفه‌ها و وزن دهی آن‌ها با رویکرد کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به بررسی شکاف بین وضعیت موجود و مورد انتظار از نظر ۱۰۸ نفر از خبرگان پرداخته شد. جامعه آماری مورد مطالعه شامل اساتید دانشگاهی، کارشناسان و مدیران شاغل در حرفه حسابداری، حسابرسی و مدیریت مالی ایران و شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۹ می‌باشد. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، مدل معادلات ساختاری و آزمون تی از طریق نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که سه بعد برای افشا داوطلبانه شرکت‌ها (اطلاعات عمومی و راهبری، عملکرد و نوآوری و رشد آتی) قابل استخراج است و همچنین نتایج حاصل از آزمون تی نشان داد که بین وضعیت موجود (عملکرد فعلی) و مورد انتظار از نظر خبرگان تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج این تحقیق می‌تواند منعکس‌کننده انتظارات خبرگان و استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در مورد افشا داوطلبانه باشد. **واژه‌های کلیدی:** افشا داوطلبانه، بورس اوراق بهادار تهران، تحلیل عاملی اکتشافی، عدم تقارن اطلاعاتی، مدل معادلات ساختاری.

۱ گروه حسابداری، واحد نیشاپور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشاپور، ایران. (نویسنده مسئول) shams1122@gmail.com
۲ گروه حسابداری، واحد نیشاپور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشاپور، ایران. Mehrazeen@gmail.com

۲۴۳

نوع مقاله: علمی پژوهشی
<http://faar.iauctb.ac.ir>



Creative Commons – Attribution 4.0
International – CC BY 4.0
Creativecommons.org

۱- مقدمه

حوزه افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها از حوزه‌های موردعلاقه محققان دانشگاهی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌باشد. بررسی مطالعات این حوزه نشان می‌دهد، تحقیقات در سه بعد اصلی صورت می‌گیرد.

۱) اندازه‌گیری دقیق سطح افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها که در تحقیقات مختلف ابعاد متنوع افشای اجباری و افشای اختیاری از نظر اطلاعات مالی و غیرمالی اندازه‌گیری و کمی‌سازی شده است. ۲) شناسایی عوامل و محرک‌هایی می‌باشد که بر رویه‌ها و سطح افشای اطلاعات تأثیر می‌گذارد. در چارچوب تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان متغیرهایی نظیر حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، ویژگی‌های شرکت و قدرت ذینفعان ممکن است رویه‌های افشای اطلاعات را تحت تأثیر قرار دهد. ۳) بحث پیامدهای افشای اطلاعات است. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که افشا و شفافیت بیشتر، منافع متعددی برای شرکت‌ها به دنبال خواهد داشت. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، هزینه سرمایه کمتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. افشای اجباری و اختیاری یکی از ابزارهای شفافیت مالی محسوب می‌شود که منجر به افزایش قدرت نقد شوندگی سهام شرکت و در نتیجه خلق ارزش برای سهامداران و برای جامعه می‌گردد. (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳).

در حالی که افشای اطلاعات مورد خواسته جامعه می‌باشد اثر متقابل بین هزینه‌ها و منافع حاصل از آن می‌تواند به صرف نظر از افشای برخی از موارد منجر شود و در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که آیا افشا باید اختیاری باشد یا اجباری. در ادبیات حسابداری و اقتصاد، از جنبه عدم تقارن اطلاعاتی، از این دیدگاه حمایت شده است که افشای اطلاعات محرمانه باعث افزایش کارایی اقتصادی می‌شود و اندازه کارایی مزبور و تأثیر نهایی بر شرایط مالی به میزان قابل توجهی بر محتوای اطلاعاتی مطالب افشاشده، روش افشا و نحوه استفاده از آن بستگی دارد (حسین و رناز^۱، ۲۰۰۷)؛ بنابراین، انتظار می‌رود که شرکت‌ها به‌طور داوطلبانه مایل به افشای اطلاعات باشند و به‌طور طبیعی در قبال دریافت منافع حاصل، متحمل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از افشا گردند (فرگوسن^۲، ۲۰۰۲). با وجود این مسئله، افشای اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به‌طور مرتب و قابل انتظار انجام نمی‌شود.

در ادبیات افشاء اطلاعات، ابزار اندازه‌گیری چک‌لیست می‌باشد. به‌منظور اندازه‌گیری شاخص افشای اطلاعات سه مرحله، تهیه چک‌لیست مناسب و تعیین اجزای اطلاعات موجود در چک‌لیست، تعیین نمره هریک از اقلام و محاسبه شاخص افشاء باید طی شود. در افشای اجباری، اطلاعات موجود در چک‌لیست برحسب موارد ذکر شده در استانداردهای حسابداری تعیین می‌شود و در افشای اختیاری، این ابزار خودساخته از مرور رهنمودهای مجامع حرفه‌ای حسابداری و ادبیات موجود در این حوزه حاصل می‌شود. (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳)

¹ Hossain, Reaz

² Ferguson

برای تعیین نمره هر یک از اجزای اطلاعاتی چک‌لیست دو رویکرد اصلی توسط کوک^۱ (۱۹۸۹) معرفی گردیده است. رویکرد اول که مورد توجه کوپلند و فردریک^۲ (۱۹۶۸) می‌باشد، وابسته به ارائه اطلاعات است. در این رویکرد محقق تعداد لغات به کاررفته برای هر یک از اقلام افشا را مورد توجه قرار می‌دهد. در نتیجه نمره بین صفر و یک متغیر خواهد بود. کوک (۱۹۸۹) این معیار را به خاطر عینیت در تعیین نمره افشا مورد انتقاد قرارداد و رویکرد دوبخشی را معرفی نمود. طبق این رویکرد، به اقلام افشاشده عدد یک و به اقلام افشا نشده عدد صفر تعلق می‌گیرد. با این وجود، برای اجتناب از هرگونه اثر منفی بر روایی و پایایی نمرات افشاء دو مسئله وزن دهی و دیگری اقلام غیرقابل کاربرد برای برخی شرکت‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد.

در بحث وزن دهی دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول عدم وزن دهی است که در نظر می‌گیرد اهمیت افشای تمامی اقلام با یکدیگر برابر است. رویکرد دوم وزن دهی است که فرض می‌کند اهمیت اقلام افشا برای گروه‌های استفاده‌کننده متفاوت است و وزن متفاوتی به اقلام می‌دهد. محققان زیادی رویکرد عدم وزن دهی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ زیرا اهمیت اقلام در طی زمان و در بخش‌های مختلف در حال تغییر است (حسن^۳ و همکاران، ۲۰۰۶). در رویکرد وزن دهی غالباً به اهمیت اطلاعات از منظر تحلیل گران توجه می‌شود و ضرورتاً بیانگر اهمیت اقلام از منظر دیگر ذینفعان نیست. لذا شاخص به دست آمده برحسب عدم وزن دهی زمانی که محقق بر ذینفعان تأکید می‌کند، مناسب‌تر است (کوک، ۱۹۸۹، حسن و همکاران، ۲۰۰۶ و وانگ^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). شاخص افشا از تقسیم امتیاز افشای اختیاری شرکت بر حداکثر نمره افشای اختیاری قابل کسب حاصل می‌گردد.

در بسیاری از پژوهش‌های اخیر فرض شده است که افشای داوطلبانه شرکت با توجه به کنترل تضاد منافع بین سهامداران، بستانکاران و مدیران تعیین می‌شود (واتس و زیمرمن^۵، ۱۹۸۶). با در نظر گرفتن این تضاد منافع، می‌توان چنین استنباط کرد که انگیزه‌های زیربنای افشای اختیاری در شرکت‌ها، به ویژگی‌های شرکت بستگی دارد (چاو و وانگ بورن^۶، ۱۹۸۷).

یک مرور جامع از ادبیات افشای اختیاری توسط هلی و پالپو^۷ (۲۰۰۷) انجام شده است. در این مقاله بیان شده است که جهت‌گیری تصمیمات مربوط به افشای اختیاری بر نقش اطلاعات در گزارشگری برای افراد حاضر در بازار سرمایه بستگی دارد. در حقیقت محققان دانشگاهی، افراد حرفه‌ای و قانون‌گذاران به افشای اختیاری از منظر یک عامل مهم در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌نگرند. در پژوهش هلی و پالپو (۲۰۰۷)، پنج عامل به‌عنوان تأثیرگذار در تصمیمات افشای اختیاری بازار

¹ Cooke

² Copeland, Fredricks

³ Hassan

⁴ Wang

⁵ Watts & Zimmerman

⁶ Chow, Wong-Boren

⁷ Healy, Palepu

سرمایه، بیان شده است: فرض مبادلات بازار سرمایه، فرض جدال بر سر کنترل شرکت، فرض سهام جایزه، فرض هزینه‌های حقوقی و فرض مسائل در ارتباط با مالک. آن‌ها موارد زیر را بیان کردند: (۱) فرض مبادلات بازار سرمایه؛ شرکت‌ها جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه تأمین مالی از طریق کاهش ریسک اطلاعات، انگیزه برای افشای داوطلبانه دارند. (۲) فرض جدال بر سر کنترل شرکت؛ زمانی که عملکرد شرکت ضعیف است، مدیران با افشای اختیاری اطلاعات سعی بر افزایش ارزش شرکت خواهند نمود تا بتوانند علت عملکرد ضعیف را توضیح دهند و در نتیجه خطر از دست رفتن شغلشان کاهش یابد. (۳) فرض سهام جایزه؛ اگر پاداش مدیران در قالب سهام اعطا گردد، آن‌ها این انگیزه را خواهند داشت تا با استفاده از افشای اختیاری امکان اظهار موارد مخرب را کاهش دهند و همچنین شرکت هم برای افشای اختیاری انگیزه خواهد داشت تا از این طریق هزینه‌های قراردادی با مدیرانی که سهام جایزه را دریافت خواهند کرد، کاهش دهد. (۴) فرض هزینه حقوقی؛ مدیران مایل به افشای اخبار بد هستند تا از این طریق از برخوردهای قانونی برای افشای ناکافی جلوگیری کنند و همچنین درصد کاهش افشای پیش‌بینی‌هایی خواهند بود که این موارد مزبور را زیر سؤال ببرد و (۵) فرض مسائل در ارتباط با مالک؛ اگر مدیران متوجه شوند که افشای اطلاعات دارای مضرات رقابتی است، افشای داوطلبانه محدود خواهد شد.

مهم‌ترین عاملی که پژوهشگران را به تحقیق در این زمینه تشویق می‌کند، افزایش درک مکانیزم‌های افشای اختیاری در ایران و شناخت نقاط ضعف و قوت رویه‌هایی است که در عمل وجود دارد اما در استانداردها، چندان به آن پرداخته نشده است. از این گذشته، هدف از این پژوهش تعیین و اولویت‌بندی مؤلفه‌های افشای داوطلبانه با در نظر گرفتن ویژگی‌های شرکت‌ها جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است.

۲- مبانی نظری و پیشینه

در اندازه‌گیری افشا از نظر سطح اندازه‌گیری دو بعد مختلف وجود دارد، نخستین بعد به افشا در سطح بازار و یا یک کشور می‌پردازد. اندازه‌گیری افشا در سطح یک کشور، به معنای سنجش میزان شفافیتی است که در نتیجه نیروهای بازار بر شرکت‌ها تحمیل می‌شود و به اندازه‌گیری قوانین مرتبط و سیستم‌های حسابداری مربوط است. از آنجایی که هر شرکتی تحت قوانین و سیستم‌های حسابداری کشور متبوع خود فعالیت می‌کند، این قوانین و سیستم‌های حسابداری، حداقل سطح شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را در آن کشور نشان می‌دهد. دومین بعد به افشا در سطح هر شرکت مرتبط است. گرچه قوانین و سیستم‌های حسابداری تمامی شرکت‌های موجود در یک کشور یکسان هستند اما سطح افشا شرکت‌ها متفاوت است. (کیم^۱، ۲۰۰۵)

جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است از معیارهای تک‌بعدی و یا چندبعدی استفاده شود، اما از آنجایی که معیارهای تک‌بعدی، سازهایی هستند که افشا را با خطا اندازه‌گیری می‌کنند. (دبوکسی و

¹ Kim

گیلت^۱، (۲۰۱۱). بسیاری از تحقیقات مانند پژوهش‌های لئوز^۲ و همکاران (۲۰۰۳)، بوشمن^۳ و همکاران (۲۰۰۴) و لنگ و همکاران (۲۰۱۱) معیارهای جامعی از افشا طراحی کرده‌اند که ابعاد مختلف افشا را می‌سنجند. با توجه به این موضوع که تمامی معیارهای تک‌بعدی، شاخص‌های غیرمستقیم و به احتمال زیاد مستقل افشا می‌باشند، معیارهای چندبعدی موجب افزایش توان تشریحی آزمون‌ها می‌گردند.

در ایران سطح افشاء اطلاعات عمدتاً متوجه افشای اجباری در استانداردهای حسابداری ایران می‌باشد و تحقیق درباره سطح افشای اختیاری هنوز در ابتدای کار قرار دارد. از جمله این تحقیقات می‌توان به تحقیق حسینی الاصل و جهان‌شاد (۱۳۹۸) به بررسی لزوم ارتقای سطح گزارشگری مالی از دیدگاه متخصصین حرفه‌ای و دانشگاهی پرداختند و نتایج این پژوهش نشان داد بین متخصصین حرفه‌ای و دانشگاهی در مورد «کافی نبودن سطح افشاء در گزارشگری مرسوم و لزوم ارتقای آن با توجه به اهداف اسلامی» موافقت و اجماع وجود دارد. در تحقیقی دیگر کردستانی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند و نتایج نشان داد که بین کیفیت افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و همچنین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، رابطه منفی کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می‌کند. همچنین کنعانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که سطح رقابت در بازار محصول بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معنی‌دار دارد؛ به عبارت دیگر، با افزایش سطح رقابت در بازار محصول، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. همچنین آنها پیشنهاد کردند که نهادهای قانونی در راستای تمرکززدایی و ایجاد مکانیزم‌هایی برای فراهم نمودن محیط رقابتی گام بردارند تا زمینه‌ساز افشای مناسب اطلاعات توسط شرکت‌ها شده و از این طریق عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه کمرنگو امنیت سرمایه‌گذاران و جلب اعتماد آن‌ها به بازار سرمایه افزایش یابد. افشاء اختیاری در بسیاری از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس‌های معتبر جهانی مورد تشویق قرار می‌گیرد و از ابعاد مختلفی نظیر اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی، اطلاعات چشم‌انداز آتی و غیره برخوردار است. پژوهشی‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، چارچوب گزارشگری مالی سنتی توانایی ارائه صورت کاملی از فعالیت‌های شرکت را نداشته و قادر به ایفای وظیفه پاسخ‌گوئی به‌طور کامل و صحیح نیست (گوتتری و همکاران، ۲۰۰۴) شواهد تجربی نشان می‌دهد، اطلاعات مهمی نظیر اطلاعات مرتبط با دارایی‌های نامشهود، مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و چشم‌انداز آتی فعالیت‌های شرکت جایگاهی در گزارشگری سنتی ندارد. لذا در راستای رفع نواقص گزارشگری سنتی لازم است الگوها و چارچوب‌هایی برای افشای اختیاری شرکت تدوین و ارائه گردد که بتواند تا حد امکان نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را در این زمینه مرتفع سازد.

¹ Gillett, p. DeBoskey

² Leuz

³ Bushman

با توجه به مطالب فوق جهت ارزیابی وسیع ابعاد مختلف افشا در محیط اطلاعاتی کشور مؤلفه‌های مختلف و پرکاربردتر در تحقیقات پیشین مبنای این تحقیق قرار خواهد گرفت و اولین و دومین پرسش این تحقیق به صورت زیر تبیین می‌شوند:

(۱) مؤلفه‌های مؤثر در افشای داوطلبانه اطلاعات از دیدگاه خبرگان مالی کدامند و آیا بین وضعیت

موجود و وضعیت مطلوب از نظر خبرگان تفاوتی وجود دارد؟

(۲) اولویت مؤلفه‌های مؤثر در افشای داوطلبانه اطلاعات از دیدگاه خبرگان مالی چگونه است؟

برای تعیین نمره هر یک از اجزای اطلاعاتی چک‌لیست دو رویکرد اصلی توسط کوک (۱۹۸۹) معرفی گردیده است. رویکرد اول که موردتوجه کوپلند و فردریک (۱۹۶۸) می‌باشد، وابسته به ارائه اطلاعات است. در این رویکرد محقق تعداد لغات به کاررفته برای هر یک از اقلام افشا را موردتوجه قرار می‌دهد. در نتیجه نمره بین صفر و یک متغیر خواهد بود. کوک (۱۹۸۹) این معیار را به خاطر عینیت در تعیین نمره افشا موردانتقاد قرارداد و رویکرد دویخی را معرفی نمود. طبق این رویکرد، به اقلام افشاشده عدد یک و به اقلام افشا نشده عدد صفر تعلق می‌گیرد. با این وجود، برای اجتناب از هرگونه اثر منفی بر روایی و پایایی نمرات افشاء دو مسئله وزن دهی و دیگری اقلام غیرقابل کاربرد برای برخی شرکت‌ها، موردتوجه قرار می‌گیرد.

در بحث وزن دهی دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول عدم وزن دهی است که در نظر می‌گیرد اهمیت افشای تمامی اقلام با یکدیگر برابر است. رویکرد دوم وزن دهی است که فرض می‌کند اهمیت اقلام افشا برای گروه‌های استفاده‌کننده متفاوت است و وزن متفاوتی به اقلام می‌دهد. محققان زیادی رویکرد عدم وزن دهی را موردتوجه قرار می‌دهند؛ زیرا اهمیت اقلام در طی زمان و در بخش‌های مختلف در حال تغییر است (حسن و همکاران، ۲۰۰۶). در رویکرد وزن دهی غالباً به اهمیت اطلاعات از منظر تحلیل‌گران توجه می‌شود و ضرورتاً بیانگر اهمیت اقلام از منظر دیگر ذینفعان نیست. لذا شاخص به‌دست‌آمده برحسب عدم وزن دهی زمانی که محقق بر ذینفعان تأکید می‌کند، مناسب‌تر است (کوک، ۱۹۸۹، حسن و همکاران، ۲۰۰۶ و وانگ و همکاران، ۲۰۰۸). شاخص افشا از تقسیم امتیاز افشای اختیاری شرکت بر حداکثر نمره افشای اختیاری قابل کسب حاصل می‌گردد.

یکی از انتقاداتی که به رویکرد وزن دهی وجود دارد، این موضوع است که در تعیین وزن مؤلفه‌ها از نظر خبرگان استفاده‌شده است و نظر استفاده‌کنندگان در این رویکرد مدنظر قرار نگرفته است و همچنین برخی از مؤلفه‌های اندازه‌گیری افشا ممکن است با توجه به ویژگی‌های خاص شرکت کاربردی نداشته و یا دارای وزن کمتری باشد.

با توجه به این مطالب پرسش سوم تحقیق به شرح زیر تبیین می‌شوند:

(۳) وزن مؤلفه‌های مؤثر در افشای داوطلبانه اطلاعات با توجه به ویژگی‌های شرکتی و اثر آن بر

عدم تقارن اطلاعاتی چگونه است؟

با توجه به مطالب فوق در این تحقیق ابتدا با استفاده از نظر خبرگان مالی (اساتید دانشگاهی، کارشناسان و مدیران شاغل در حرفه حسابداری، حسابرسی و مدیریت مالی)، مبانی نظری موجود و تحقیقات گذشته و استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی اقدام به تهیه چک‌لیست جامعی جهت اندازه‌گیری افشا نموده و سپس با استفاده از بررسی روابط بین عوامل مؤثر بر مؤلفه‌های افشا داوطلبانه و اثر آن بر عدم تقارن اطلاعاتی دو مسئله وزن دهی و دیگری اقلام غیرقابل کاربرد برای برخی شرکت‌ها، در مؤلفه‌های چک‌لیست تهیه‌شده مورد توجه قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه در تمامی تحقیقات داخلی بررسی‌شده شیوه اندازه‌گیری متغیرها تا حد زیادی مشابه یکدیگر بوده و از مدل‌های خطی رگرسیون چند متغیره برای آزمون فرضیات استفاده‌شده است، استفاده از سایر ابزارهای مناسب و روش‌های جدید مانند مدل معادلات ساختاری می‌تواند نقش بسزایی برای افزایش شفافیت در بازار سرمایه کشور داشته باشد.

امیدواریم که این تحقیق به درک شاخص‌های افشای داوطلبانه کمک کند. نتایج ممکن است برای درک اطلاعات داوطلبانه افشاشده شرکت‌ها، عوامل تعیین‌کننده و عواقبشان از نظر تأثیر بر عدم تقارن اطلاعاتی و کارکرد بازار مفید باشد.

۳- روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع تحقیق‌های تجربی، آرشویی و پیمایشی، است؛ زیرا برای بررسی سوال‌ها لازم است داده‌های موردنیاز از منابع موجود یعنی صورت‌های مالی شرکت‌ها و گزارش‌های بورس اوراق بهادار تهران و وب‌سایت‌های شرکت‌ها، گردآوری و برای تعیین و سنجش شاخص‌های افشای داوطلبانه از روش تحلیل عاملی و از پرسشنامه و اعمال نظرات خبرگان استفاده می‌شود. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و از نوع تحلیل عاملی تأییدی با رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده می‌شود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق خبرگان مالی ایران (اساتید دانشگاهی، کارشناسان و مدیران شاغل در حرفه حسابداری، حسابرسی و مدیریت مالی) و شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار می‌باشد و دوره زمانی تحقیق سال ۱۳۹۹ می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع حذفی می‌باشد. نمونه‌گیری شامل شرکت‌هایی است که:

- هلدینگ‌ها، مؤسسات مالی، بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت ماهیت متفاوت فعالیت‌هایشان کنار گذاشته شدند.
- اطلاعات مالی آن‌ها قابل دسترس باشد.

- جهت یکنواختی دوره زمانی سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد. که پس از بررسی‌های انجام‌شده تعداد ۱۳۴ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب گردید و همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات از خبرگان مالی ۱۰۸ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت.

متغیرها

◀ افشا داوطلبانه

در خصوص افشای داوطلبانه اطلاعات بامطالعه منابع بسیار از جمله پژوهش‌های انجام‌شده توسط دانشگاهیان و افراد حرفه‌ای، مطالعه دستورالعمل‌های مجامع حرفه‌ای متعدد و نظر خبرگان مالی، مجموعه‌ای از اقلام افشای داوطلبانه توصیه‌شده را گردآوری نموده و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی اقدام به تهیه چک‌لیست می‌گردد. عدم تقارن اطلاعاتی:

برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران از مدل ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) (دامنه‌ی قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام) استفاده می‌شود. در پژوهشی که فو و همکاران (۲۰۱۲) انجام دادند، برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی، از این مدل بهره گرفته‌شده است. مدل یادشده به شرح زیر است:

$$SPREAD_{it} = (AP) - (PB) \times 100 / (AP + PB) \div 2$$

که در آن:

SPREAD: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام i در دوره‌ی t

t : سال مورد بررسی،

i : شرکت مورد بررسی،

(AP) Price Ask: بهترین (کمترین) قیمت پیشنهادی فروش سهام i در دوره‌ی t ،

(BP) Price Bid: بهترین (بیشترین) قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره‌ی t ، است.

طبق مدل بالا، هرچه دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام عدد بزرگ‌تری باشد، حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. در آزمون فرضیه‌ها، قدر مطلق عدد حاصل از این مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

◀ ویژگی‌های شرکتی

۱- عمر

میزان افشای شرکت ممکن است تحت تأثیر عمر آن باشد (اسو - آناش، ۱۹۹۸). آن‌ها در پژوهش خود به سه مورد در این زمینه اشاره کردند، اول آنکه شرکت‌های جوان‌تر ممکن است در صورت افشای اقلام قطعی، نظیر مخارج تحقیق، مخارج سرمایه و توسعه محصولات، به تهدیدهای رقابتی روبرو شوند. مورد دوم هزینه و سهولت جمع‌آوری، پردازش و انتشار اطلاعات مورد نیاز می‌باشد. این هزینه‌ها در شرکت‌های جدید نسبت به شرکت‌های

قدیمی‌تر، بیشتر می‌باشد. مورد سوم هم این می‌باشد که شرکت‌های جدیدتر ممکن است به علت هر وضعی، قادر به جمع‌آوری اطلاعات و یا ثبت و نگهداری آن نباشند که منجر به کمبود افشای اطلاعات می‌شود.

۲- اندازه شرکت

از اندازه شرکت در پژوهش‌های گذشته به میزان زیادی به‌عنوان یک متغیر توضیحی در تفاوت سطوح افشای داوطلبانه استفاده شده است. والاس و ناصر^۱ (۱۹۹۵) بیان کردند که اندازه شرکت تابعی از رشد است و رشد یک شرکت نیازمند تأمین سرمایه از خارج از آن می‌باشد و بر همین اساس نیاز به اطلاعات جامع‌تری وجود دارد، اندازه شرکت از طریق لگاریتم کل دارایی شرکت سنجیده می‌شود.

۳- نوع شرکت

الجفری (۲۰۰۸) در پژوهش خود متوجه شد، نوع شرکت (تولیدی یا غیر تولیدی) بر میزان افشا تأثیر می‌گذارد. در این تحقیق نیز از این روش پیروی خواهد شد، به این صورت که اگر شرکت تولیدی باشد یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

۴- پیچیدگی‌های شرکت

هنیفا و کوک (۲۰۰۲) بیان نموده‌اند که پیچیدگی ساختاری در توضیح اختلاف در سطح افشا دارای اهمیت است. همچنین کورتس (۱۹۸۷) و کوک (۱۹۸۹) بیان نمودند که در صورت وجود پیچیدگی ساختاری، شرکت نیاز به یک سیستم اطلاعات مدیریتی اثربخش برای نظارت بر فعالیت‌ها خواهد داشت و وجود چنین سیستمی هزینه تولید اطلاعات را در سطح هر واحد محصول کاهش می‌دهد که منجر به افشای اطلاعات بیشتر می‌شود. پیچیدگی شرکت از طریق تعداد واحدها/ بخش‌های تجاری در یک شرکت سنجیده می‌شود.

۴- یافته‌ها

در این بخش به بررسی سوالات پژوهش که " بررسی زیر مؤلفه‌های افشای داوطلبانه اطلاعات جهت ارائه چهارچوب مفهومی (مطالعه موردی بورس اوراق بهادار تهران)" است می‌پردازیم. قبلاً اشاره شد که برای بررسی فوق از روش تجزیه و تحلیل عاملی^۲ استفاده می‌شود.

در این روش آماری باهدف پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده با تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر افشای داوطلبانه توسط ۹۷ سؤال پرسشنامه محقق ساخته به‌عنوان ۹۷ زیر مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته است. مبانی نظری افشا داوطلبانه، حاکی از آن است که افشای داوطلبانه دارای ۱۴ بعد اصلی می‌باشد. هر یک از ابعاد فوق شامل تعدادی سؤال مشخص از مجموع ۹۷ سؤال پرسشنامه را به خود اختصاص داده‌اند و نیز هرکدام از ابعاد فوق دارای تعدادی مؤلفه هستند که ترکیب ۱۴ مؤلفه می‌باشد.

^۱ Wallace, Naser

^۲ . Factor Analysis

برای تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از آماره KMO استفاده می‌شود. مقادیر این آماره در جدول ۵ آماده است. هر چه مقدار ضریب فوق به عدد یک نزدیک‌تر باشد بهتر است. درحالی‌که مقادیر کوچک KMO بیانگر آن است که همبستگی بین زوج متغیرها نمی‌تواند توسط متغیرهای دیگر تبیین شود و لذا ممکن است کاربرد تحلیل عاملی متغیرها قابل توجه نباشد.

لذا با توجه به مقدار محاسبه‌شده برای داده‌های این تحلیل، $0/85$ در رده خیلی خوب قرار می‌گیرد. همچنین آماره دیگر جدول ۵ نیز که برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیلی عاملی، افزون بر ماتریس همبستگی، آزمون کرویت بارتلست است که در جدول مقدار آن برابر $759/4$ با درجه آزادی ۹۱ و نیز مقدار معنی‌داری نزدیک به صفر شده است که بیانگر این مفهوم است که بین متغیرها همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۵- آماره KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلست

ضریب کفایت نمونه‌گیری	$0/85$
مقدار تقریبی مجذور کا	$759/4$
درجه آزادی	۹۱
سطح معناداری	$0/00$

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۶ مقدار ویژه واریانس متناظر با عامل‌ها را نشان می‌دهد. ستون مقدار خاص اولیه مقادیر ویژه اولیه برای هر یک از عامل‌ها در قالب مجموع واریانس تبیین شده برآور می‌شود. واریانس تبیین شده برحسب درصدی از کل واریانس و درصد تجمعی است. مقدار ویژه هر عامل، نسبتی از واریانس کل متغیرها است که توسط آن عامل تبیین می‌شود. مقدار ویژه از طریق مجموع مجذورات بارهای عاملی مربوط به تمام متغیرها در آن عامل قابل‌محاسبه است. از این‌رو مقادیر ویژه اهمیت اکتشافی عوامل را در ارتباط با متغیرها نشان می‌دهد. پایین بودن این مقدار برای یک عامل به این معنی است که آن عامل نقش اندکی در تبیین واریانس متغیرها داشته است.

همچنین در ستون مقدار استخراج بارهای مربعی واریانس تبیین شده عامل‌هایی ارائه شده است که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از یک است. درنهایت ستون مقدار چرخش بارهای مربعی مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج‌شده بعد از چرخش را نشان می‌دهد. چنانچه دیده می‌شود هشت عامل قابلیت تبیین واریانس را دارند. اگر عامل‌های به‌دست‌آمده را با روش واریمکس چرخش دهیم عامل‌های اول، دوم و سوم به ترتیب $28/128$ و $22/019$ و $13/923$ و در مجموع $64/07$ درصد از واریانس را در بردارند.

جدول ۶- درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های مختلف

ردیف	مقدار خاص اولیه			مقدار استخراج بارهای مربعی			مقدار چرخش بارهای مربعی		
	درصد	درصد	کل	درصد	درصد	کل	درصد	درصد	کل
1	41/68	41/68	5/83	41/68	41/68	5/86	28/12	28/12	3/93
2	56/65	14/97	2/09	56/65	14/97	2/09	50/14	22/01	3/08
3	64/07	7/41	1/03	64/07	7/41	1/03	64/07	13/92	1/94
4	70/47	6/40	0/89						
5	75/49	5/02	0/70						
6	80/28	4/79	0/67						
7	84/66	4/37	0/61						
8	87/91	3/25	0/45						
9	90/74	2/83	0/39						
10	93/22	2/48	0/34						
11	95/35	2/12	0/29						
12	97/24	1/89	0/26						
13	98/98	1/73	0/24						

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۷ مقایسه چگونگی تقسیم‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های اصلی افشا داوطلبانه بر اساس مبانی نظری و نتایج پژوهش حاضر را با یکدیگر مقایسه می‌نماید.

جدول ۷- مقایسه تقسیم‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های اصلی

نتایج پژوهش حاضر		مبانی نظری پژوهش	
مؤلفه	بعد	مؤلفه	بعد
اطلاعات هیات مدیره	اول	اطلاعات هیات مدیره	۱
سرمایه انسانی		عملکرد اجتماعی	۲
اطلاعات فروش و مشتریان		چشم‌انداز آتی	۳
اطلاعات عمومی		عملکرد زیست‌محیطی	۴
استراتژی شرکت		سرمایه انسانی	۵
فرآیندهای داخلی		سهام و عملکرد مالی	۶
عملکرد اجتماعی	دوم	تجزیه و تحلیل ریسک	۷
عملکرد زیست‌محیطی		رضایتمندی شغلی	۸
سهام و عملکرد مالی		اطلاعات فروش و مشتریان	۹

نتایج پژوهش حاضر		مبانی نظری پژوهش	
مؤلفه	بعد	مؤلفه	بعد
نسبت‌های مالی		اطلاعات عمومی	۱۰
سیاست‌ها و اقدامات		استراتژی شرکت	۱۱
چشم‌انداز آتی	سوم	فرآیندهای داخلی	۱۲
تجزیه و تحلیل ریسک		نسبت‌های مالی	۱۳
نوآوری و رشد		سیاست‌ها و اقدامات	۱۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

وزن دهی مؤلفه‌ها بر اساس نظر خبرگان

جدول ۸ بار عاملی چرخش یافته هر یک از مؤلفه‌ها ذیل ۳ بعد اصلی تبیین‌کننده مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۸- بار عاملی چرخش یافته هر یک از مؤلفه‌ها

مؤلفه/بعد	اطلاعات هیات مدیره	سرمایه انسانی	اطلاعات فروش و مشتریان	اطلاعات عمومی	استراتژی شرکت	فرآیندهای داخلی	عملکرد اجتماعی	عملکرد زیست محیطی	سهام و عملکرد مالی	نسبت‌های مالی	سیاست‌ها و اقدامات	چشم‌انداز آتی	تجزیه و تحلیل ریسک	نوآوری و رشد
۱	۱۶۵	۱۷۴	۱۷۸	۱۷۸	۱۶۹	۱۷۳								
۲							۱۵۴	۱۵۹	۱۶۱	۱۸۸	۱۸۴			
۳												۱۶۱	۱۶۵	۱۷۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

پس از اینکه بار عاملی هر یک از مؤلفه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی مشخص شد، بارهای عاملی تک تک مؤلفه‌ها در مقدار نسبت کل واریانس تبیین شده برای عاملی که سؤال بر روی آن قرار دارد ضرب می‌شود و سپس برای پیدا کردن وزن هر مؤلفه، نسبت هر یک از مقادیر ثانویه به مجموع مقادیر ثانویه محاسبه می‌شود. از جدول شماره ۶ به یاد داریم که ۶۴ درصد از واریانس توسط ۳ بعد اصلی مدل تبیین می‌شود.

جدول ۹- نسبت واریانس تبیین شده هر عامل

عدد	مقادیر ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تبیین تراکمی	نسبت واریانس تبیین شده
۱	۳/۹۳	۲۸/۱۲	۲۸/۱۲	٪۴۳/۹
۲	۳/۰۸	۲۲/۰۱	۵۰/۱۴	٪۳۴/۴
۳	۱/۹۴	۱۳/۹۲	۶۴/۰۷	٪۲۱/۷
	جمع	۶۴/۰۷		٪۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج محاسبه وزن هر مؤلفه در کل متغیر افشا داوطلبانه در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰- وزن مؤلفه‌های اصلی در کل متغیر افشا داوطلبانه

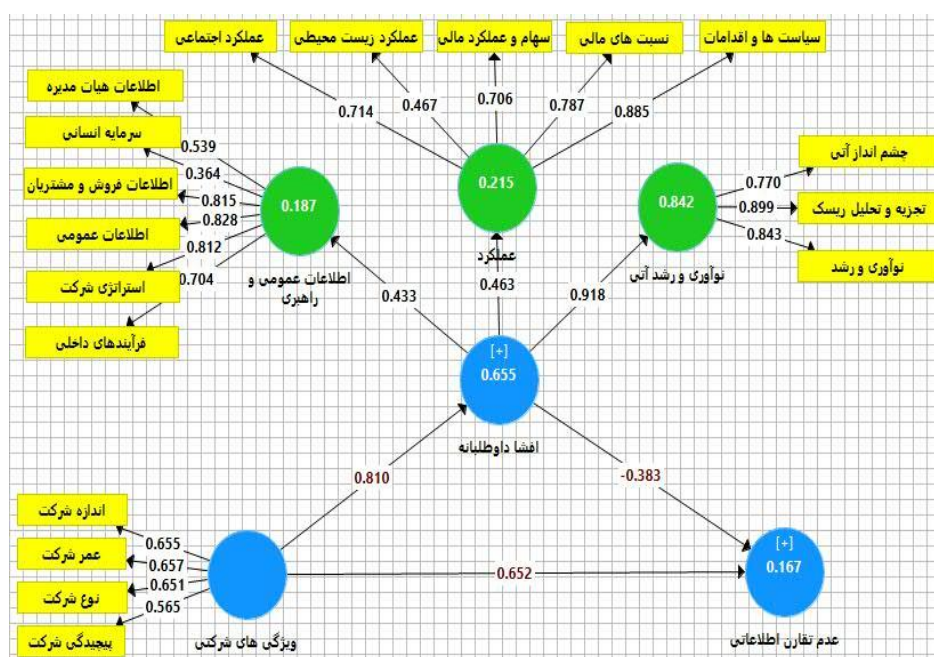
وزن هر مؤلفه	مقادیر ثانویه	نسبت واریانس هر عامل به واریانس کل			مؤلفه
		۳	۲	۱	
		٪۲۱/۷	٪۳۴/۴	٪۴۳/۹	
۸	۲۸/۹			۰/۶۵	اطلاعات هیات مدیره
۵	۱۸/۷		۰/۵۴		عملکرد اجتماعی
۴	۱۳/۴	۰/۶۱			چشم‌انداز آتی
۶	۲۰/۵		۰/۵۹		عملکرد زیست‌محیطی
۹	۳۲/۵			۰/۷۴	سرمایه انسانی
۶	۲۱/۲		۰/۶۱		سهام و عملکرد مالی
۴	۱۴/۲	۰/۶۵			تجزیه و تحلیل ریسک
۵	۱۶/۱	۰/۷۴			نوآوری و رشد
۱۰	۳۴/۴			۰/۷۸	اطلاعات فروش و مشتریان
۱۰	۳۴/۵			۰/۷۸	اطلاعات عمومی
۹	۳۰/۴			۰/۶۹	استراتژی شرکت
۹	۳۲/۲			۰/۷۳	فرآیندهای داخلی
۹	۳۰/۴		۰/۸۸		نسبت‌های مالی
۸	۲۹		۰/۸۴		سیاست‌ها و اقدامات
۱۰۰		جمع			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در روش معمول وزن تمامی مؤلفه‌ها برابر باهم و برابر یک فرض می‌شود. در حالی که در تحلیل عاملی وزن‌های به‌دست‌آمده با روش فوق مبنای مقایسه می‌باشد.

مدل معادلات ساختاری

در این بخش ساختار مدل، روابط بین متغیرهای نهفته درونی و بیرونی مورد توجه قرار می‌گیرند. در اینجا هدف، تشخیص این موضوع است که آیا روابط تئوریک بین متغیرها در مرحله تدوین چارچوب مفهومی مدنظر محقق بوده است. به وسیله داده‌ها تأیید گردیده یا خیر.



نمودار ۱ مدل معادلات ساختاری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج نشان می‌دهد که بین نمره افشا داوطلبانه شرکت‌ها و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری به میزان ۰.۳۸۳- وجود دارد، به عبارتی می‌توان گفت بین افشا داوطلبانه باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. ویژگی‌های شرکتی نیز بر افشا داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار است. در ادامه مؤلفه‌های افشا داوطلبانه را بر اساس روابط بین افشا داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی وزن دهی می‌کنیم. جدول ۱۱ بار عاملی تأییدی هر یک از مؤلفه‌ها ذیل ۳ بعد اصلی تبیین‌کننده مدل را نشان می‌دهد. در واقع این جدول نتیجه نمودار ۴-۷ می‌باشد.

جدول ۱۱ بار عاملی تأییدی هر یک از مؤلفه‌ها

مؤلفه/ابعاد	اطلاعات هیات مدیره	سرمایه انسانی	اطلاعات فروش و مشتریان	اطلاعات عمومی	استراتژی شرکت	فرآیندهای داخلی	عملکرد اجتماعی	عملکرد زیست محیطی	سهام و عملکرد مالی	نسبت‌های مالی	سیاست‌ها و اقدامات	چشم‌انداز آتی	تجزیه و تحلیل ریسک	نوآوری و رشد
۱	۰/۵۳۹	۰/۳۶۴	۰/۸۱۵	۰/۸۲۸	۰/۸۱۲	۰/۷۰۴								
۲							۰/۷۱۴	۰/۴۶۷	۰/۷۰۶	۰/۷۸۷	۰/۸۸۵			
۳												۰/۷۷۰	۰/۸۹۹	۰/۸۴۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

پس‌ازاینکه بار عاملی هر یک از مؤلفه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مشخص شد، بارهای عاملی تک‌تک مؤلفه‌ها در مقدار نسبت بار عاملی تعدیلی بر اساس رابطه با عدم تقارن اطلاعاتی، تبیین شده برای بعدی که مؤلفه بر روی آن قرار دارد ضرب می‌شود و سپس برای پیدا کردن وزن هر مؤلفه، نسبت هر یک از مقادیر ثانویه به مجموع مقادیر ثانویه محاسبه می‌شود. از نمودار شماره ۱ نسبت بار عاملی تعدیلی بر اساس رابطه با عدم تقارن اطلاعاتی تبیین می‌شود.

جدول ۱۲- نسبت بار عاملی تعدیلی بر اساس رابطه با عدم تقارن اطلاعاتی

بعد	بار عاملی هر بعد	درصد کاهش عدم تقارن	بار عاملی تعدیلی
۱	۴۳/۳	۳۸/۳	٪۱۶/۵۸
۲	۴۶/۳	۳۸/۳	٪۱۷/۷۳
۳	۹۱/۸	۳۸/۳	٪۳۵/۱۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج محاسبه وزن هر مؤلفه در کل متغیر افشا داوطلبانه در جدول ۱۳ آمده است.

جدول ۱۳- وزن مؤلفه‌های اصلی در کل متغیر افشا داوطلبانه

وزن هر مؤلفه	مقادیر ثانویه	شماره عامل			مؤلفه
		۳	۲	۱	
		نسبت بار عاملی تعدیلی بر اساس رابطه با عدم تقارن اطلاعاتی			
		%۳۵/۱۵	%۱۷/۷۳	%۱۶/۵۸	
۴	۸/۹			۰/۵۳۹	اطلاعات هیات مدیره
۶	۱۲/۶		۰/۷۱۴		عملکرد اجتماعی
۱۲	۲۷	۰/۷۷۰			چشم‌انداز آتی
۴	۸/۲		۰/۴۶۷		عملکرد زیست‌محیطی
۳	۶			۰/۳۶۴	سرمایه انسانی
۶	۱۲/۵		۰/۷۰۶		سهام و عملکرد مالی
۱۴	۳۱/۵	۰/۸۹۹			تجزیه و تحلیل ریسک
۱۴	۲۹/۶	۰/۸۴۳			نوآوری و رشد
۶	۱۳/۵			۰/۸۱۵	اطلاعات فروش و مشتریان
۶	۱۳/۷			۰/۸۲۸	اطلاعات عمومی
۶	۱۳/۴			۰/۸۱۲	استراتژی شرکت
۵	۱۱/۶			۰/۷۰۴	فرآیندهای داخلی
۷	۱۳/۹		۰/۷۸۷		نسبت‌های مالی
۷	۱۵/۶		۰/۸۸۵		سیاست‌ها و اقدامات
۱۰۰		جمع			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک، بخش بزرگی از پیشرفت‌های ادبیات در هر حوزه از بهبود تکنیک‌های اندازه‌گیری نشأت می‌گیرد؛ در حوزه سنجش شفافیت و اثرات اقتصادی مرتبط با آن نیز مانند سایر حوزه‌ها، نیاز مبرمی به معیارهای مناسب‌تر وجود دارد. در این پژوهش کوشش گردید تا معیاری چندبعدی بر مبنای مطالعه جامع ادبیات و مبتنی بر جنبه‌های مختلف جهت اندازه‌گیری افشا داوطلبانه استخراج گردد و به این منظور معیارهای نامتجانس شفافیت گزارشگری مالی را که توسط پژوهشگران مختلف به صورت مجزا مورد استفاده قرار گرفته است؛ به همراه هم به عنوان یک شاخص واحد افشا بکار گرفته شد.

هدف از این مدل چندبعدی، گسترش درک ما از سیستم اطلاعات مالی است و تمرکز آن بر قابلیت دسترسی اطلاعات خاص هر شرکت توسط ذینفعان برون‌سازمانی است؛ باید توجه داشت که در این پژوهش

برای توسعه مدل از یک تئوری مشخص استفاده نشده است؛ بلکه تئوری‌های رقیبی که به شفافیت در سطح شرکت می‌پردازند؛ به همراه هم مدنظر قرار گرفته‌اند. مسلم است که استفاده از یک تئوری مشخص در بسط مدل، انتخاب عوامل تأثیرگذار بر شفافیت گزارشگری مالی را تسهیل می‌کند. به هر حال انتخاب تعریف یادشده از شفافیت و عملیاتی کردن این تعریف مبتنی بر یک تئوری مشخص نیست و این موضوع یکی از محدودیت‌های عمده این پژوهش است؛ گرچه در مراحل مختلف پژوهش توضیحاتی در خصوص انتخاب عوامل عنوان شده است اما نبود یک تئوری مشخص، تعیین دامنه این پژوهش و ارزیابی انتخاب‌های صورت گرفته در آن را دشوار می‌سازد. همچنین نبود یک تئوری مشخص احتمالاً موجب شده است تا در تصمیمات اتخاذشده در طی پژوهش ثبات رویه وجود نداشته باشد. محدودیتی که بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) و دبوکسی و گیل (۲۰۱۱) نیز ادعان کرده‌اند که در حسابداری و اقتصاد، تئوری جامعی در خصوص عوامل تعیین‌کننده شفافیت وجود ندارد؛ و این حوزه بسیار محدود بوده و مبانی تئوریک و تجربی اندکی در ادبیات آن وجود دارد؛ باید توجه داشت که مطالعه عوامل مؤثر بر شفافیت گزارشگری مالی تلاش پیچیده‌ای است که مستلزم مطالعه دامنه وسیعی از عوامل اقتصادی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی علوم انسان‌شناسی است. در این مطالعه ابتدا مؤلفه‌های مؤثر در افشای داوطلبانه اطلاعات از دیدگاه خبرگان مالی و ادبیات موجود بررسی و ۱۴ بعد اصلی مشخص گردید. هر یک از ابعاد ۱۴ گانه شامل تعدادی سؤال مشخص از مجموع ۹۷ سؤال پرسشنامه را به خود اختصاص دادند. سپس با استفاده ۱۰۸ پرسشنامه تکمیل شده و با استفاده از تحلیل اکتشافی این ۱۴ بعد در قالب سه بعد به شرح جدول زیر طبقه‌بندی شدند:

جدول ۱۴- ابعاد افشا داوطلبانه حاصل از تحلیل اکتشافی

بعد	اطلاعات عمومی و راهبری	عملکرد	نوآوری و رشد آتی
مؤلفه‌ها	اطلاعات هیات مدیره سرمایه انسانی اطلاعات فروش و مشتریان اطلاعات عمومی استراتژی شرکت فرآیندهای داخلی	عملکرد اجتماعی عملکرد زیست‌محیطی سهام و عملکرد مالی نسبت‌های مالی سیاست‌ها و اقدامات	چشم‌انداز آتی تجزیه و تحلیل ریسک نوآوری و رشد

منبع: یافته‌های پژوهشگر

سپس اقدام به تعیین وزن مؤلفه‌های افشای داوطلبانه با استفاده از نظر خبرگان مالی و با توجه به ویژگی‌های شرکتی و اثر آن بر عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از شاخص افشا به دست آمده از مرحله قبل (با استفاده از داده‌های ۱۳۴ شرکت) پرداخته شد. همان‌طور که در نتایج مشخص است بین وزنی که هر مؤلفه با دو رویکرد

به دست آورده تفاوت وجود دارد و در برخی موارد مثل تجزیه و تحلیل ریسک، نوآوری و رشد، چشم‌انداز آتی این تفاوت بسیار زیاد است که این تفاوت می‌تواند ناشی از این باشد که عوامل دیگری غیر افشا داوطلبانه نیز بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار است و یا ناشی از این باشد که سرمایه‌گذاران اهمیت متفاوتی نسبت خبرگان برای مؤلفه‌های افشا قائل هستند. البته با توجه به این که در هنگام وزن دهی با توجه به ویژگی‌های شرکتی و اثر آن بر عدم تقارن اطلاعاتی از شاخص افشا موزون شده با استفاده از نظر خبرگان مالی استفاده شده، می‌توان گفت وزن‌های اعمال شده با توجه به ویژگی‌های شرکتی و اثر آن بر عدم تقارن اطلاعاتی، نظر خبرگان را نیز در نظر گرفته است و می‌توان آن را به‌عنوان وزن نهایی چک‌لیست در نظر گرفت.

در نهایت با توجه به مقیاس‌های پرکاربرد اندازه‌گیری افشا داوطلبانه در تحقیقات قبلی به مقایسه تحقیق حاضر با سایر مقیاس‌ها در قالب ماتریس زیر پرداخته می‌شود:

جدول ۱۵- ماتریس مفهومی مقایسه ابعاد افشای اختیاری در مطالعات پیشین و تحقیق حاضر

ابعاد افشای اختیاری	تحقیق حاضر	AICPA	FASB	GRI	بوسو (۲۰۰۴)	پانگ اینج و سرف (۱۹۶۱)	بازنی (۱۹۷۴)	میگ و همکاران (۱۹۹۵)	چو وو لگ یون (۱۹۸۷)	یوتوسان (۱۹۹۷)	حسن (۲۰۰۸)	ساکتو (۲۰۱۱)	وارگی (۲۰۱۱)	پیت (۲۰۱۲)
اطلاعات کلی و استراتژیک شرکت	√	√	√	-	√	√	√	√	√	√	√	√	√	√
تحلیل مدیریت	√	√	√	-	-	-	-	-	√	-	-	-	-	-
چشم‌انداز آتی	√	√	√	-	-	√	√	√	√	√	√	√	√	√
اطلاعات مالی درباره سهام شرکت	√	√	√	-	√	√	√	√	-	√	√	√	√	√
رشد و نوآوری	√	-	-	-	√	√	√	√	√	√	√	√	√	√
فرایندهای داخلی	√	-	-	-	√	√	√	√	√	√	√	√	√	√
سرمایه انسانی	√	-	-	-	√	√	√	√	√	√	√	√	√	√
راهبری شرکتی	√	-	-	-	√	√	√	√	√	√	√	√	√	√
عملکرد اجتماعی و زیست محیطی	√	-	-	-	√	√	√	√	√	√	√	√	√	√
رویکرد اندازه‌گیری (وزن و عدم وزن)	و	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	و	و	ع	ع	ع
در نظر گرفتن دیدگاه سرمایه‌گذاران	√	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

منبع: یافته‌های پژوهشگر

فهرست منابع

- حسینی الاصل، محسن، جهانشاد، آریتا. (۱۳۹۸). ضرورت گسترش سطح افشاء و توسعه گزارش‌های مالی در بستر حسابداری اسلامی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۲۱۷-۲۵۵.
- رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳، مروری بر ادبیات افشا اطلاعات در ایران، پژوهش حسابداری، شماره ۱۵، صص ۳۵ تا ۶۷.
- کردستانی، غلامرضا، بهرامفر، نقی، امیری، علی. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۱۵۹-۱۷۸.
- کنعانی، اکبر، حجازی، رضوان، قنبری، مهرداد، جمشیدی نوید، بابک. (۱۴۰۰). ارتباط بین سطح رقابت در بازار محصول و عدم تقارن اطلاعاتی؛ رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ۱۱۹-۱۶۸.
- Aljifri, K. (2008). Annual report disclosure in a developing country: The case of the UAE. *Advances in Accounting*, 24(1), 93-100.
- Bushman, R and Piotroski, J and Smith, A (2004). What determines corporate transparency? *Journal of accounting Research*. Vol. 42 No. 2 May 2004: 207-252.
- Chow, C. W., & Wong-Boren, A. (1987). Voluntary financial disclosure by Mexican corporations. *Accounting review*, 533-541.
- Cooke, T. E. (1989). Voluntary corporate disclosure by Swedish companies. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 1(2), 171-195.
- Copeland, R. M. & Fredricks, W. 1968. Extent of Disclosure. *Journal of Accounting Research*, 6, 106-113.
- Courtis, J. K. (1987). Fry, smog, lix and rix: Insinuations about corporate business communications. *The Journal of Business Communication* (1973), 24(2), 19-27.
- Ferguson, M. J., Lam, K. C., & Lee, G. M. (2002). Voluntary disclosure by state-owned enterprises listed on the stock exchange of Hong Kong. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 13(2), 125-152.
- Fu, R., Kraft, A., and H. Zhang (2012). "Financial reporting frequency, information asymmetry, and the cost of equity." *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 54, pp. 132-149.
- Gillett, p. DeBoskey, d. (2011), The impact of multi-dimensional corporate transparency on us firms' credit ratings and cost of capital. *Rev Quant Finan Acc* DOI 10. 1007/s11156-011-0266-8, springer. com.
- Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. *Abacus*, 38(3), 317-349.
- Hassan, O. A., Giorgioni, G., & Romilly, P. (2006). The extent of financial disclosure and its determinants in an emerging capital market: the case of Egypt. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 3(1), 41-67.
- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2007). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of accounting and economics*, 31(1-3), 405-440.

- Hossain, M., & Reaz, M. (2007). The determinants and characteristics of voluntary disclosure by Indian banking companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 14(5), 274-288.
- Kim, Jinbae. (2005). Accounting Transparency of Korean Firms: Measurement and Determinant Analysis. *The Journal of American Academy of Business*, Cambridge * Number 2 * March 2005
- Lang, M., Lins, K. V., & Maffett, M. (2012). Transparency, liquidity, and valuation: International evidence on when transparency matters most. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 729-774.
- Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P. D. (2003). Earnings management and investor protection: an international comparison. *Journal of financial economics*, 69(3), 505-527.
- Owusu-Ansah, S. (1998). The impact of corporate attributes on the extent of mandatory disclosure and reporting by listed companies in Zimbabwe. *The International Journal of Accounting*, 33(5), 605-631
- Wallace, R. O., & Naser, K. (1995). Firm-specific determinants of the comprehensiveness of mandatory disclosure in the corporate annual reports of firms listed on the stock exchange of Hong Kong. *Journal of Accounting and Public Policy*, 14(4), 311-368.
- Wang, K., Sewon, O., & Claiborne, M. C. (2008). Determinants and consequences of voluntary disclosure in an emerging market: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 17(1), 14-30.
- Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1986). Positive accounting theory.

Abstract

<https://sanad.iau.ir/journal/faar/Article/1072848>

Determining and prioritizing the components of voluntary disclosure to reduce asymmetry using heuristic factor analysis and structural equation modeling

Amir Shams¹
Alireza Mehrazin²

Received: 29 // April / 2024 Accepted: 10 / June / 2024

Abstract

The lack of sufficient research literature on voluntary disclosure has motivated this study. First, to date, no comprehensive disclosure measurement study has been conducted that could guide future researchers when creating their own disclosure scales or accepting existing ones. Second, issues related to measurement in the social sciences and the evaluation of disclosure scales are rarely addressed in the accounting research literature. The present study presents and analyzes the components and indicators of voluntary disclosure in a comprehensive framework by examining the views of experts. Also, after determining the components and weighting them with the approach of reducing information asymmetry, the gap between the current and expected situation was examined by 108 experts. The statistical population of the study includes university professors, experts and managers working in the profession of accounting, auditing and financial management of Iran and Tehran Stock Exchange companies in 1399. Research data were analyzed using heuristic factor analysis test, structural equation model and t-test using SPSS software. The results of heuristic factor analysis showed that three dimensions can be extracted for voluntary disclosure of companies (general information and leadership, performance and innovation and future growth) and also the results of t-test showed that between the current situation (current performance) and expected by experts There is a significant difference. The results of this study may reflect the expectations of experts and users of financial statements regarding voluntary disclosure.

Keywords: Voluntary Disclosure, Tehran Stock Exchange, Exploratory Factor Analysis, Information Asymmetry, Structural Equation Model

¹ Department of Accounting, Nishabur Branch, Islamic Azad University, Nishabur, Iran. (Corresponding author) shams1122@gmail.com

² Department of Accounting, Nishabur Branch, Islamic Azad University, Nishabur, Iran Mehrazeen@gmail.com

